

مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری  
شماره سی و چهارم، ۱۳۸۵، صص ۵۶ - ۳۳

## قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان\*

لوک والین\*\*

مترجمان: دکتر توکل حبیب زاده\*\*\* و

مجتبی جعفری\*\*\*\*

### چکیده

هر جنایت بین‌المللی، قربانیانی، اغلب به تعداد زیاد، به همراه دارد. ممکن است از این قربانیان خواسته شود که در دادگاه درباره آنچه که اتفاق افتاده است شهادت دهند، آنها (در این صورت) در جایگاه شهود قرار می‌گیرند. این مقاله نقشی را که قربانیان جنایات بین‌المللی در حال حاضر در دادرسی‌های بین‌المللی کیفری ایفا می‌کنند بررسی کرده و درباره حمایتی بحث می‌کند که حقوق بین‌الملل در حفظ حقوق این گروه از اشخاص که به‌طور ویژه آسیب‌پذیر هستند، به‌عمل می‌آورد. رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و برای رواندا - به ترتیب - و آیین‌نامه دادرسی و ادله‌ای که در دادرسی‌های دیوان بین‌المللی کیفری حاکم خواهد شد، مورد تأکید خاصی واقع شده است.

---

\*. Luc WALLEYN, « Victimes et témoins de crimes internationaux: du droit à une protection au droit à la parole », RICR mars 2002, vol. 84, n° 845, pp. 51-78.

\*\* لوک والین (Luc Walley) وکیل بلژیکی و رئیس سابق انجمن وکلای بدون مرز بلژیک است. او در کنفرانس رم راجع به دیوان بین‌المللی کیفری نماینده این انجمن بود.

\*\*\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع).

\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع).

## مقدمه

جنايات جنگی و جنايات عليه بشریت، بویژه جنايت نسل‌کشی، می‌توانند تعداد بسیار زیادی قربانی به همراه داشته باشند. به هنگام تحقیقات مربوط به چنین جرایمی، قربانیان بازمانده به‌عنوان شهود مورد بازجویی قرار می‌گیرند. هرچند که ممکن است تمام قربانیان، شهود ماجرا نبوده و کسانی غیر از بزه‌دیدگان به‌عنوان شهود به پشت میز دادگاه فراخوانده شوند، مشخصه مشترک هر دو گروه این است که هر دو، یک گروه آسیب‌پذیرند و سزاوار نوعی حمایت ویژه، چه به هنگام تحقیقات و چه در چارچوب یک آیین دادرسی کیفری احتمالی. وقتی که درگیری نظامی همچنان در جریان است و مرتکبین جنايات جنگی به اشغال مواضع قدرت ادامه می‌دهند، خطر تهدید یا انتقام، نه تنها نسبت به کسانی که مستقیماً در معرض خطر هستند، بلکه همچنین نسبت به اعضای خانواده احتمالی آنها، امری واقعی جلوه می‌کند.

چند سالی است که قربانیان فراموش شده‌اند. با حمایت سازمانهای دفاع از حقوق بشر، آنها دیگر به یک نقش انفعالی «اشخاص تحت حمایت» قانع نمی‌شوند، بلکه این حق را که به‌عنوان طرف دعوا مورد استماع قرار گیرند مطالبه می‌کنند. بتدریج، آنها حق بیان در برابر دادگاههای بین‌المللی کیفری را به دست می‌آورند و حتی شهود نیز موضوع حقوق واقع می‌شوند.

## وضعیت قربانیان جنايات بین‌المللی در برابر دادگاههای بین‌المللی کیفری دولت به‌عنوان نماینده قربانیان «خود»؟

از دیدگاه سنتی، حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از حقوق است که روابط بین دولتها را تنظیم می‌کند. در مورد حقوق مخاصمات مسلحانه نیز وضعیت به همین منوال است. در طول قرن‌ها، خسارات وارده به افراد غیرنظامی در جریان یک مخاصمه، در بهترین حالات از طریق پرداخت غرامت‌های جنگی به دولت متبوع آنها، با فرض اینکه دولت نماینده اتباع خود است، جبران می‌شد. این وضع بعد از جنگ جهانی دوم هم حاکم بود. جمهوری فدرال آلمان با تأیید اقداماتی که به‌منظور پرداخت غرامت فردی به برخی از بیگانگان قربانی تروریسم نازی انجام گرفته بود، یک سابقه تاریخی را در ۱۹۴۹ ایجاد کرد.<sup>۱</sup>

با وجود درگیریهای فراوانی که در نیمه دوم قرن بیستم رخ داد، بایستی تا سال ۱۹۹۱ انتظار می‌کشیدیم تا دوباره ساز و کاری به‌منظور جبران خسارت قربانیان جنگ، توسط طرف مقصر تأسیس شود. بعد از جنگ خلیج فارس، شورای امنیت، کمیسیونی را تشکیل داد که مأمور بود دادخواست‌هایی را که منشأ آنها اشغال کویت بود، بررسی و در مورد میزان غرامت تصمیم

۱. اخیراً جمهوری فدرال آلمان صندوق جدیدی به‌منظور حمایت از کارگرانی که به اجبار به کاری گمارده می‌شوند تأسیس کرده و اتریش در این مورد از آن تبعیت نموده است.

بگیرد.<sup>۲</sup> کمیسیون غرامت پرونده‌هایی را بررسی می‌کند که از طریق دولتها مطرح شده‌اند.<sup>۳</sup> معاهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بویژه چهار کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت از قربانیان جنگ و دو پروتکل الحاقی آنها، مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷، پیش‌بینی می‌کنند، کسانی را که مقررات این معاهدات را نقض کنند، می‌توان از نظر کیفری مجازات نمود اما هیچ نوع حق غرامتی را برای قربانیان در نظر نمی‌گیرند. معاهدات مذکور، همچنین این حق را برای قربانیان به رسمیت نمی‌شناسند که به تعقیب قضایی مرتکبین جنایات جنگی اقدام کنند و در جریان دادرسی مربوط به مسئله مجرمیت، وارد شده و غرامت دریافت نمایند.

این معاهدات مربوط به حقوق بشر و به‌طور کلی تحول اندیشه‌های راجع به حقوق بشر است که بتدریج این ایده را وارد حقوق بشردوستانه کرد که قربانیان از حق فردی بر جبران خسارت ناشی از صدمه‌ای که به آنها وارد شده است برخوردارند. چنانکه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۵۰ و دیگر کنوانسیونهای منطقه‌ای حق شکایت و درخواست غرامت را برای قربانیانی که حقوق اساسی آنها نقض شده است به رسمیت می‌شناسند.<sup>۴</sup> در کنوانسیونهای خاص، مانند کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد<sup>۵</sup> نیز وضعیت چنین است. به‌موجب این کنوانسیون اخیر، سازمان ملل متحد همچنین صندوقی را به‌منظور حمایت از قربانیان شکنجه تأسیس کرده است.

با تصویب اعلامیه اصول اساسی عدالت مربوط به قربانیان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد،<sup>۶</sup> گام جدیدی به سوی شناسایی حقوق قربانیان در سطح بین‌المللی برداشته شد. این اعلامیه تصویری کلی از حقوق قربانیان ارائه می‌نماید: حق شکایت، حق کرامت انسانی و اعاده حیثیت، استرداد اموال و دریافت غرامت، مساعدت پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی.

وقتی که اولین دادگاه بین‌المللی کیفری از زمان دادگاه نورنبرگ در سال ۱۹۹۳ تشکیل

۲. قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) شورای امنیت. رک. (www.un.org.ch/uncc)

۳. کار این کمیسیون قابل نقد است:

A. Gresh, "L'Irak payera - Enquête sur une commission occulte", Le Monde diplomatique, octobre 2000.

۴. برای مطالعه جزئیات رک.

Naomi Roht-Arriaza, "Sources in international treaties of an obligation to investigate, prosecute, and provide redress", *Impunity and Human Rights in International Law*, Oxford University Press, 1995, pp. 24-38.

همچنین رک.

Philippe Frumer, "La réparation des atteintes aux droits de l'homme internationalement protégés-quelques données comparatives", *Revue trimestrielle des droits de l'homme*, 1996, p. 539.

۵. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مجازاتها یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، 10 décembre 1984.

۶. A/Rés. 40/34 (1985).

شد، قربانیان تا حدی فراموش شده بودند. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق،<sup>۷</sup> همانند دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا،<sup>۸</sup> آیین دادرسی‌ای تهیه و تدوین نمود که کاملاً بر اساس مدل آنگلو ساکسون - که برای قربانیان صرفاً اقدامات حمایتی و بویژه به‌عنوان شهود پیش‌بینی می‌کند - پایه‌ریزی شده است.<sup>۹</sup>

با تصویب اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ در رم<sup>۱۰</sup> تحت فشار سازمانهای بین‌المللی غیردولتی، تحولی به نفع قربانیان به‌وجود آمد. سازمانهای یاد شده - که به‌منظور همکاری گرد هم آمده و ائتلافی تشکیل داده بودند - فشار خیلی شدیدی را در این خصوص به‌عمل آوردند؛ این اعمال فشار به هنگام تهیه آیین‌نامه دادرسی و ادله<sup>\*</sup> که در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۰ در کمیسیون مقدماتی دادگاه بین‌المللی کیفری به‌تصویب رسید، ادامه داشت.<sup>۱۱</sup>

### منظور از « قربانی » در حقوق بین الملل کیست؟

در مورد آنچه که به مفهوم « قربانی » مربوط می‌شود، اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۵ سهم مهمی دارد؛ مواد ۱ و ۲ این اعلامیه، قربانیان را چنین تعریف کرده است:

« ۱- منظور از « قربانیان » اشخاصی هستند که به‌صورت فردی یا دسته‌جمعی، متحمل خسارت بویژه صدمه به تمامیت جسمی یا روحی، زیان مادی یا آسیب شدید به حقوق اساسی خود، در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین کیفری شده‌اند.»

« ۲- یک شخص ممکن است « قربانی » شناخته شود، فارغ از اینکه هویت مرتکب جرم، شناسایی و او تعقیب، دستگیر و مقصر اعلام شده باشد یا خیر و نسبت او با قربانی نیز اهمیتی ندارد. واژه « قربانی »، همچنین در صورت اقتضا، قوم و خویش نزدیک قربانی یا اشخاصی را در بر می‌گیرد که با دخالت خود به‌منظور کمک به قربانیان در معرض خطر یا برای جلوگیری از قربانی شدن متحمل خسارت گردیده‌اند.»

۷. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (TPIY) با قطعنامه ۸۰۸ (۱۹۹۳) و قطعنامه ۸۲۷ (۱۹۹۳) شورای امنیت تشکیل گردید و مقر آن در لاهه است.

۸. دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا (TPIR) با قطعنامه ۹۵۵ (۱۹۹۴) تشکیل شد و مقر آن در آروشا (Arusha) است.

۹. آیین‌نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در ۱۱ فوریه ۱۹۹۴ تصویب گردید و به دفعات در آن اصلاحاتی به‌عمل آمد.

۱۰. اساسنامه رم راجع به دادگاه بین‌المللی کیفری، مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، به امضای ۱۳۹ کشور رسیده بود و تا اول نوامبر ۲۰۰۱، ۴۳ کشور آن را تصویب کرده بودند. این در حالی است که تصویب ۶۰ کشور برای لازم‌الاجرا شدن آن ضروری است. [لازم به ذکر است که اساسنامه دادگاه بعد از تودیع شصتمین سند تصویب، در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید و تا ۱۵ مارس ۲۰۰۵، توسط ۹۸ کشور تصویب شده است (م)].

\*. Règlement de procédure et de preuve.

11. Doc. ONU PCNICC/2000/INF/add.1 (Projet de Règlement de la CPI).

این متن قانونی باید به تصویب مجمع کشورهای عضو برسد (آیین‌نامه دادرسی و ادله در سپتامبر ۲۰۰۲ به تصویب رسید) (م).

آنچه که در تعریف فوق اهمیت دارد این واقعیت است که این تعریف، قربانیان مستقیم جرم و به همان اندازه اشخاص ذی‌نفع، اعضای خانواده و حتی اشخاصی را که در راه کمک به قربانیان متحمل خسارت شده‌اند، پوشش می‌دهد. با این حال، هیچ قرینه‌ای وجود ندارد دایر بر اینکه این تعریف، اشخاص حقوقی را هم شامل می‌شود. همچنین قطعنامه شماره ۶۸۷/۹۱ شورای امنیت بیان می‌دارد:

«عراق {...}، براساس حقوق بین‌الملل، مسئول جبران تمام خسارات و زیانها - از جمله زیانهای وارده به محیط زیست و تخریب منابع طبیعی - و تمامی صدمات مستقیم دیگری است که در اثر هجوم و اشغال غیرقانونی کویت، به دولتهای خارجی و اشخاص حقیقی و شرکتهای خارجی وارد آمده است».<sup>۱۲</sup>

کمیسیون غرامت مربوط به اشغال کویت که در اجرای این قطعنامه تأسیس گردید، از مفهوم خیلی وسیع واژه قربانی استفاده می‌کند، چنانکه به منظور دریافت غرامت، زیانهای تجاری‌ای که به طور غیرمستقیم به شرکتهای خارجی وارد آمده و مبالغی که برای کمک به پناهندگان اختصاص یافته بود نیز به حساب می‌آیند. یک مفهوم خیلی گسترده راه را برای سوءاستفاده باز می‌کند، به عنوان نمونه مبالغ قابل توجهی به شرکتهای اسرائیلی، از جمله فروشندگان گلها و مدیران سینما، به دلیل زیانهای تجاری که در اثر وضعیت جنگی متحمل شده بودند پرداخت گردید و حتی برخی از کشورها سعی کردند دادخواستهایی را به خاطر هزینه‌هایی که برای اقدامات جنگی متحمل شده بودند، تقدیم نمایند.<sup>۱۳</sup>

در نگاه اول، پذیرفتن دلایل و مدارک ناچیز و کم اهمیت برای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مخاصمات مسلحانه (حقوق حاکم در زمان جنگ)\* در مقایسه با دلایلی که برای جبران خسارت ناشی از نقض منشور ملل متحد (حقوق حاکم بر توسل به زور)\*\* لازم است، به هیچ وجه قابل توجیه نیست. با این حال اساسنامه و آیین نامه دادرسی دو دادگاه اختصاصی - که چند سال بعد تشکیل شدند - همیشه یک معنای خیلی مضیق از قربانی را به کار می‌برند، معنایی که محدود شده به «هر شخص حقیقی که نسبت به او جرمی ارتکاب یافته که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد».<sup>۱۴</sup>

12. S/Rés. 687 (1991), par. 16.

13. Alain Gresh, *op. cit.* (note 3), p. 17.

\*. *Jus in bello*.

\*\**Jus ad bellum*.

۱۴. آیین نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۲ (الف) و آیین نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، ماده ۲ (الف).

یک مفهوم موسع از قربانی توسط پروفیسور وان بوون (Van Boven) در گزارشی که با عنوان اصول اساسی و دستورالعملهای مربوط به حق بر جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی<sup>۱۵</sup> به سازمان ملل متحد تقدیم گردید، ارائه شد که بویژه خانواده را شامل می‌شود.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری واژه قربانی را تعریف نمی‌کند. یک سمینار بین‌المللی راجع به حقوق قربانیان که در سال ۱۹۹۹ در پاریس برگزار شد، به منظور تدوین آیین‌نامه دادرسی، معنایی نزدیک به آنچه که توسط وان بوون ارائه شده است، از واژه قربانی پیشنهاد نمود:

« ۱- ... هر شخص یا گروهی از اشخاص که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به‌صورت فردی یا دسته‌جمعی، در اثر وقوع جنایاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت این دادگاه است، متحمل خسارتی می‌گردد. واژه « خسارت » تمام آسیب‌های جسمی یا روحی، هر نوع عذاب روحی، هر زیان مادی یا صدمه قابل توجه به حقوق اساسی را شامل می‌گردد. در صورت اقتضا، سازمانها یا نهادهایی که مستقیماً از جنایت زیان دیده‌اند می‌توانند « قربانی » قلمداد شوند».<sup>۱۶</sup>

یک نوع مصالحه در آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان (ماده ۸۵) دیده می‌شود:

« الف) واژه « قربانی » شامل هر شخص حقیقی می‌شود که متحمل خسارتی ناشی از ارتکاب جنایتی شده است که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد؛ ب) واژه قربانی همچنین می‌تواند شامل هر سازمان یا نهادی شود که به اموال، اماکن و اشیای آن مانند اموالی که وقف مذهب، آموزش، هنر، علوم یا احسان و خیرات شده، یک بنای تاریخی، بیمارستان یا برخی اماکن و اشیای دیگری که در جهت بشردوستانه مورد استفاده‌اند، خسارت مستقیمی وارد شده باشد».<sup>۱۷</sup>

برخلاف آنچه که هم اکنون در اساسنامه دادگاههای اختصاصی پیش‌بینی شده است، اعضای خانواده و ذوی‌الحقوق می‌توانند در آینده به‌عنوان قربانی شناخته شوند، بدون اینکه نیازی به توسعه نامحدود مفهوم خسارت باشد، به‌طوری که خسارت غیرمستقیم را نیز شامل شود.

15. Doc. ONU E/CN.4/1997/104 du 16 janvier 1997.

آقای ت. وان بوون (T. Van Boven) به‌عنوان کارشناس مستقل از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی برگزیده شد. این گزارش، سومین نسخه «اصول و دستورالعملهای» مذکور را در بر دارد. نسخه اول آن در سال ۱۹۹۳ ارائه گردید E/CN.4/2000/ Sub 2/1993/8. ادامه کار را آقای «شریف بسیونی» عهده‌دار شد. رک. گزارش پایانی ایشان E/CN.4/2000/62.

۱۶. سمینار بین‌المللی راجع به دسترسی قربانیان به دادگاه بین‌المللی کیفری، گزارش کارگاهها، پاریس، ۱۹۹۹.

۱۷. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۸۵.

فهرست سازمانها و نهادهایی که خسارت وارده به آنها می‌تواند به پرداخت غرامت بیانجامد، یادآور مقررات پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیونهای ژنو راجع به حمایت از اموال فرهنگی و اموال مذهبی می‌باشد.<sup>۱۸</sup>

### قربانیان و طرح دعوا در دادگاه

در دادگاههای اختصاصی، تنها دادستان برای طرح دعوا در دادگاه صلاحیت دارد و پیش‌بینی نشده است که قربانیان بتوانند نقشی در این امر ایفا کنند. برعکس، به هنگام مذاکرات مربوط به اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، اعمال فشار و تلاشهای سازمانهای حمایت از قربانیان و حقوق بشر از حمایت اکثر کشورهای دارای سنت حقوقی قاره‌ای (اروپایی) و گروه کشورهای هم‌فکر برخوردار گردید. این امر سرانجام به تصویب اساسنامه‌ای منجر شد که یک سری توانایی را به قربانیان عرضه می‌دارد؛ این توانایی‌ها در آیین‌نامه دادرسی و ادله گسترش یافته است.

ماده ۱۵ اساسنامه رم صریحاً پیش‌بینی می‌کند که دادستان دادگاه بین‌المللی، اهم اطلاعاتی را که دریافت می‌کند، بررسی کرده و بویژه با سازمانهای غیردولتی همکاری می‌کند. پیش‌بینی شده است که قربانیان بتوانند در چارچوب یک آیین دادرسی مقدماتی حضور داشته باشند.<sup>۱۹</sup> این امکان حضور، در عین حال، یک حق طرح دعوا در دادگاه به‌شمار نمی‌آید و نمی‌توان از «شکل‌گیری مدعی خصوصی» صحبت کرد. مع‌هذا، این امر نسبت به سنت کامن‌لا که آیین دادرسی دادگاههای اختصاصی را مشخص می‌کند، یک تحول واقعی محسوب می‌گردد.

اساسنامه همچنین پیش‌بینی می‌کند که در صورت اعتراض نسبت به صلاحیت دادگاه یا قابلیت استماع کیفرخواست، این امکان به قربانیان داده‌شود که در مباحث و جریان دادرسی حضور داشته باشند.<sup>۲۰</sup> پیش‌نویس آیین‌نامه دادرسی و ادله، این اصل را مطرح می‌کند که دادستان باید قربانیان یا مشاور احتمالی آنها را بلافاصله از تصمیمی که در مورد انجام تحقیقات می‌گیرد باخبر سازد. او می‌تواند این کار را به‌صورت گروهی از طریق سازمانهای حمایت از قربانیان انجام داده و از شاخه کمک به قربانیان و شهود دادگاه بین‌المللی کیفری کمک بگیرد. قربانیانی که بدین ترتیب مطلع می‌شوند، می‌توانند در مرحله اقامه دعوا در برابر دادگاه بدوی حاضر شده و نظرات خود را ابراز دارند، بدون اینکه در اظهارنظر راجع به ماهیت دعوا محدودیت داشته باشند.

۱۸. پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (پروتکل اول)، مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷، ماده ۵۳، و پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (پروتکل دوم)، مصوب ۸ ژوئن ۱۹۹۷، ماده ۱۶.

۱۹. اساسنامه رم، ماده ۱۵(۲).

۲۰. همان، ماده ۱۹(۳).

تصمیم دادگاه بدوی که غیر قابل تجدیدنظر است، به آنها ابلاغ می‌شود.<sup>۲۱</sup> هر نوع تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب نیز چنین است.<sup>۲۲</sup> در مقابل چنین تصمیمی، تنها یک دولت یا شورای امنیت می‌تواند از دادگاه بدوی تقاضای تجدیدنظر کند، این دادگاه همچنین می‌تواند رأساً تصمیم دادستان را مورد تجدیدنظر قرار دهد.

ماده ۱۰۷ آیین‌نامه دادرسی و ادله پیش‌بینی می‌کند که در دو وضعیت، دادگاه می‌تواند از قربانیان دعوت کند که نظرات خود را ابراز دارند. این امر می‌تواند، در عمل، به یک نوع آیین دادرسی منجر گردد که شباهت فراوانی به آیین دادرسی در کشورهای دارد که دارای نظام کیفری متأثر از سنت اروپایی هستند.

### ورود در رسیدگی ماهوی

ماده ۶ (ب) اعلامیه ۱۹۸۵ پیش‌بینی می‌کند که نظرات قربانیان بایستی در دادرسی کیفری مورد توجه قرار گیرد:

« ضمن فراهم کردن این فرصت که دیدگاهها و دغدغه‌های قربانیان، هنگامی که منافع شخصی آنها در خطر است، در مراحل مقتضی دادرسی و در چارچوب سیستم عدالت کیفری کشور مربوط مطرح و مورد بررسی قرار گیرد، بدون اینکه حقوق طرف مدافع تضییع گردد».

اخیراً، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب یک توصیه‌نامه راجع به ورود گروهی از قربانیان در دادرسی به‌منظور «تقدیم دادخواستهای جمعی جبران خسارت و دریافت دسته‌جمعی غرامت»، یک قدم فراتر رفته است.<sup>۲۳</sup> با وجود این، آیین‌نامه دادرسی دادگاههای اختصاصی هیچ نوع امکان دخالت قربانیان در نقشی غیر از نقش شهود دادرسی را پیش‌بینی نمی‌کند. این امر از سوی قربانیان و بویژه سازمانهای حامی بازماندگان و اقربای قربانیان جنایت نسل‌کشی رواندا به‌عنوان خلأ قانونی جدی احساس شده است، درحالی که همین افراد می‌توانند در برابر دادگاههای داخلی رواندا به‌عنوان مدعی خصوصی اقامه دعوا کرده و حتی دولت را به‌عنوان شخصی که از نظر مدنی مسئولیت دارد به دادگاه احضار نمایند.<sup>۲۴</sup>

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، به نوبه خود، این مشکل را شناسایی کرده و سعی

۲۱. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۵۰.

۲۲. همان، ماده ۹۲ (۲).

23. Commission des droits de l'homme, Doc. E/CN.4/2000/62.

24. Gasana Ndoba, "Les victimes face à la justice. Rwanda, deux ans après le génocide: quelles juridictions pour quels criminels?", A. destexhe et M. Foret (Eds), *De Nuremberg à La Haye et Arusha*, Ed. Bruylant, Bruxelles, p. 93.



نموده است با اجازه دادن به نمایندگان برخی از انجمن‌های کمک به قربانیان یا کارشناسانی که به آنها نزدیک هستند برای ورود در دعوا به‌عنوان «اشخاص غیرذی‌نفع» آن را جبران نماید. از طرف دیگر، دفتر دادگاه یک برنامه کمک به قربانیان تهیه کرده است که شامل صندوق پرداخت غرامت است. در سال ۲۰۰۱ میلادی، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای رواندا و یوگسلاوی سابق در نظر داشتند آیین دادرسی خود را به‌منظور اجازه نمایندگی قربانیان و احتمالاً اعطای غرامت تغییر دهند. سرانجام تصمیم بر این شد که از آن صرف‌نظر شود، بویژه به دلیل مسئولیت سنگینی که این امر می‌توانست برای دادگاهها به دنبال داشته باشد. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰، رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، گزارش مفصلی راجع به مسئله پرداخت غرامت به قربانیان و حضور آنها در جلسه دادرسی به دبیر کل سازمان ملل تقدیم کرد، این گزارش از ایجاد یک صندوق غرامت با ارجاع صریح به کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد دفاع می‌کرد.<sup>۲۵</sup> چند هفته بعد، نامه‌ای با همین مضمون توسط رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا به دبیرکل سازمان ملل ارسال گردید.<sup>۲۶</sup>

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، بخوبی، جایگاهی را برای قربانیان نه تنها در مرحله رسیدگی مقدماتی، بلکه بخصوص در مرحله رسیدگی ماهوی پیش‌بینی می‌کند. ماده اصلی مربوط به قربانیان، عبارت از ماده ۶۸ می‌باشد که عنوان آن با عبارت «حمایت از قربانیان و شهود و شرکت آنها در دادرسی» ویژگی تاریخی آن را منعکس می‌کند (در پیش‌نویس اولیه، تنها مفهوم حمایت گنجانده شده بود). بدین ترتیب، یک گشایش واقعی جهت ورود در دادرسی ایجاد شد.

«۳- هرگاه منافع شخصی قربانیان مطرح باشد، دادگاه اجازه می‌دهد که دیدگاهها و دغدغه‌های ایشان، در هر مرحله از مراحل دادرسی که دادگاه مناسب تشخیص دهد و به شیوه‌ای که نه مضر و نه برخلاف حق دفاع و اقتضات یک دادرسی عادلانه و بی‌طرف باشد، ابراز و مورد بررسی قرار گیرد. طبق آیین‌نامه دادرسی و ادله، این دیدگاهها و دغدغه‌ها می‌تواند توسط نمایندگان قانونی قربانیان ابراز شود، آنگاه که دادگاه آن را مناسب تشخیص دهد.»

خاطرنشان می‌کنیم که از نظر برخی از حقوقدانان طرفدار نظام انگلوساکسون، «منافع شخصی قربانیان» هیچ ارتباطی با موضوع مجرمیت ندارد و تنها، مثلاً، به حمایت از آنها به‌عنوان شهود مربوط می‌شود.<sup>۲۷</sup>

۲۵. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، پرداخت غرامت و شرکت قربانیان، ضمیمه نامه «جوردا (Jorda)» به دبیرکل سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰/۱۰/۱۲، Doc. ONU S/2000/1063.

۲۶. دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، نامه مورخ ۲۰۰۰/۱۲/۱۴ «پیلای (Pillay)» (رئیس دادگاه) به دبیرکل سازمان ملل متحد Doc. ONU S/2000/1198.

۲۷. به‌عنوان مثال رک.

آیین‌نامه دادرسی و ادله، مجدداً عناصری را که در اساسنامه گنجانده شده بود، توسعه داد و آیین دادرسی‌ای شدیداً متأثر از نظام قاره‌ای (اروپایی) به‌وجود آورد. مطابق این آیین‌نامه، قربانیان می‌توانند به‌منظور ورود در دادرسی تقاضایی ارائه دهند. در صورتی که درخواست‌کننده، بر اساس این آیین‌نامه، واقعاً یک «قربانی» محسوب شود، تقاضای مزبور اصولاً از سوی دادگاه پذیرفته خواهد شد. قربانیان می‌توانند به‌صورت فردی یا دسته جمعی به وکلا یا سایر مشاوران نمایندگی دهند. این مشاوران و وکلا به جلسه دادرسی دعوت شده و از طرف دفتر دادگاه یک تصویر از مستندات دادرسی دریافت خواهند کرد.

با ماده ۹۱ آیین‌نامه دادرسی و ادله، «ورود» کامل می‌شود. این ماده پیش‌بینی می‌کند که مشاوران قربانیان، اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را خواهند داشت. تنها در شرایط استثنایی، دادگاه می‌تواند دخالت این مشاوران را به ارائه لوایح دفاعی یا تودیع نتیجه‌گیری‌های خود محدود کند. با این حال، آنها می‌توانند از دادگاه بخواهند که از شهود خبره و متهم بازجویی نماید یا توسط رئیس دادگاه از ایشان سؤالاتی بکند. این ماده مستقیماً از پیشنهادات همایش پاریس اقتباس گردیده است.<sup>۲۸</sup> در این مقرر، ضرورت رعایت حق دفاع، بویژه تحت فشارهای «سازمان عفو بین‌الملل» یادآوری شده است. این سازمان در متنی که در یک نشست کمیسیون مقدماتی ارائه شده، نگرانی‌هایی راجع به این موضوع ابراز کرده بود.<sup>۲۹</sup>

اگرچه در بحث‌های مربوط به موضوع مجرمیت، حقوق نمایندگان قربانیان در مقایسه با- حقوق مدافع تا حدی محدود شده است، این محدودیتها در آن مرحله از دادرسی که دعوای جبران خسارت اقامه می‌شود، کاملاً از بین می‌روند. در این مرحله از دادرسی، مشاوران قربانیان می‌توانند مستقیماً از متهم، شهود و کارشناسان سؤالاتی به عمل آورند.

### جبران خسارت وارده

با توجه به اینکه قربانیان جنایات جنگی، به‌طور سنتی، به مداخله دولتهای متبوع خود به‌منظور مذاکره احتمالی دریافت غرامت ارجاع شده‌اند، می‌توان این سؤال را از خود پرسید که آیا در حقوق بین‌الملل، مبنای حقوقی برای درخواست مستقیم پرداخت غرامت به قربانیان وجود دارد؟ در اینجا نیز اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ است که مفهوم حق

---

American Bar Association, *Proposed Rules of Evidence and Procedure for the ICC*, Rule 63

(پیشنهادی که در فوریه ۱۹۹۹ هنگام بحث‌های کمیسیون مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری مطرح شد).

[www.icg.apc.org/icc/html/aba.htm](http://www.icg.apc.org/icc/html/aba.htm)

28. *op. cit.* (note 16), p. 15.

29. Amnesty international, *The International Criminal Court: Ensuring an effective role for victims*, Prepcorn Juillet 1999, p. 15, "[www.icg.apc.org/icc/html/ai199907a](http://www.icg.apc.org/icc/html/ai199907a)".

شخصی بر دریافت غرامت را وارد حقوق بین‌الملل کرده است. امروزه عموماً پذیرفته شده است که قربانیان جنایات بین‌المللی می‌توانند طلب غرامت کنند. گزارش نهایی‌ای که مخبر ویژه در سال ۱۹۹۹ به کمیسیون حقوق بشر ارائه کرد، حق قربانیان جنایات بین‌المللی را بر جبران خسارت وارده به شکل‌های زیر مشخص کرد: دریافت غرامت، ترمیم، رضایت و ضمانت‌هایی مبنی بر عدم تکرار.<sup>۳۰</sup> تشکیل «کمیسیون غرامت» سازمان ملل، اجرای مسلم این اصل در چارچوب جنایت بر ضد صلح می‌باشد.

برعکس، آنچه که اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی هر دو دادگاه اختصاصی پیش‌بینی می‌کنند، تنها عبارت از استرداد اموال به مالکان قانونی آنهاست.<sup>۳۱</sup> پرداخت غرامت به معنی خاص کلمه به دادگاه‌های داخلی واگذار شده است که می‌توانند از رأی دادگاه بین‌المللی به‌عنوان سابقه استفاده کنند.<sup>۳۲</sup>

در دسامبر ۱۹۹۸، دکتر آگوو یو اوکالی (Agwu U. Okali)، رئیس دفتر دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا طرحی ارائه کرد که در آن تأسیس یک صندوق پرداخت غرامت به قربانیان - با تأمین اعتبار آن از محل کمک‌های داوطلبانه - پیشنهاد شده بود.<sup>۳۳</sup> این طرح بیش از آنکه یک برنامه قابل اجرا باشد، بیانگر نارضایتی دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا بود که با وضعیت نامطلوب و زنده‌ای در رابطه با امکانات پیش‌بینی شده برای نگهداری و دفاع از متهمین مواجه شده بود؛ وضعیتی که در آن، بویژه، بازماندگان نسل‌کشی رواندا قرار داشتند. در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۰، همین دفتردار، طی مراسمی با پوشش رسانه‌ای گسترده در تابا (Taba)،<sup>۳۴</sup> برنامه تدوین شده توسط دادگاه برای کمک به قربانیان را ارائه نمود. این برنامه بخش‌های متنوعی را دربرمی‌گیرد: نظرات حقوقی، کمک روان‌شناختی، بازپروری جسمی و کمک مالی جهت اسکان مجدد. این برنامه رسماً یک برنامه «کمک به شهود بالفعل و بالقوه»<sup>۳۵</sup> است اما در واقع، به‌عنوان یک برنامه کمک به قربانیان معرفی می‌شود که با همکاری پنج سازمان غیر دولتی رواندایی تهیه گردیده است. همچنین، موضوع پرداخت احتمالی غرامت به قربانیان به هزینه متهمان به هنگام دو

۳۰. گزارش مخبر ویژه «شریف بسیونی»، Doc. ONU E/CN. 4/2000/62, Annexe n 21.

۳۱. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا، ماده (۳) ۲۳. «اعاده وضع سابق» به‌عنوان «مجازات» در نظر گرفته شده است. همچنین رک. آیین‌نامه دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۱۰۵.

۳۲. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، آیین‌نامه دادرسی، ماده ۱۰۶.

33. A.U. Okali, Rwanda genocide: Towards a Victim-oriented Justice. The Case for an ICTR Assistance to Victims Program, Note, Arusha. Décembre 1998.

۳۴. Taba یک دهکده رواندایی است که شهردار سابق آن «اکایزو (Akayesu)» اولین محکوم‌علیه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا بود. تاریخ اعلام برنامه مزبور نیز سمبولیک و معنادار است، زیرا آقای اوکالی در سخنرانی خود، هم به سالگرد آغاز دادرسی نورنبرگ و هم به سالگرد آغاز محاکمه اکایزو در آروشا (Arusha) اشاره می‌کند.

35. Communiqué de presse IPTR. 26.9.2000. ICTR/INFO- 9-2-242.

نشست دادگاههای اختصاصی که در سال ۲۰۰۰ با حضور تمام اعضا تشکیل گردید، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هرچند در آروشا، دادستان ابتدا اصلاح آیین نامه دادرسی را با هدف ممکن ساختن اعطای غرامت تقاضا نمود، دادگاههای کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا سرانجام به اجماع رسیدند که این امر نیاز به اصلاح اساسنامه دارد، به علاوه این دو دادگاه تشخیص دادند که شاید مناسب تر این باشد که اختلاف مربوط به چنین غرامتی به مرجع دیگری واگذار گردد.<sup>۳۶</sup>

با این همه، اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری امکان اعطای غرامت به قربانیان را پیش بینی می کند. طبق ماده ۷۵ آن:

«۱- دادگاه اصول حاکم بر شیوه های جبران خسارت قربانیان یا ذوی الحقوق آنها، مانند اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت یا اعاده حیثیت را تهیه می کند. بر این مبنا، دادگاه می تواند با درخواست یا به تشخیص خود در شرایط استثنایی، میزان خسارت، آسیب یا زیانی را که به قربانیان یا ذوی الحقوق ایشان وارد آمده است، با مشخص کردن اصولی که رأی دادگاه بر آنها استوار است، در رأی خود معین کند.

۲- دادگاه می تواند حکمی را علیه یک شخص محکوم صادر کند و در آن میزان خسارتی را که لازم است به قربانیان یا ذوی الحقوق آنها پرداخت گردد، مشخص نماید. این جبران خسارت می تواند، بویژه به شکل اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت یا اعاده حیثیت باشد. در صورت مقتضی، دادگاه می تواند تصمیم بگیرد که غرامتی که به عنوان جبران خسارت تعیین شده، از محل صندوق مذکور در ماده ۷۹ پرداخت شود».

این ماده پیشرفت فوق العاده ای محسوب می گردد. نه فقط جبران خسارت مادی، بلکه اعاده وضع به حال سابق و اعاده حیثیت را نیز پیش بینی می کند. به علاوه، این امر در صلاحیت خود دادگاه است که می تواند خسارتی را که باید جبران شود ارزیابی نماید، حتی بدون اینکه درخواست مشخصی تنظیم شود. ممکن است متهم به پرداخت غرامت محکوم گردد، اما دادگاه نیز می تواند غرامت را از محل صندوقی که از طریق جزای نقدی، همچنین از طریق فروش اموال ضبط شده، تأمین مالی شده و با پرداخت های داوطلبانه تکمیل می شود، پردازد.<sup>۳۷</sup> دولتهای عضو معاهده نه تنها ملزم هستند که حکم دادگاه مبنی بر توقیف اموال محکوم به پرداخت خسارت ضرر و زیان را اجرا کنند، بلکه همچنین موظفند به منظور تعیین محل نگهداری این اموال با دادگاه همکاری نمایند.<sup>۳۸</sup>

36. *op. cit.* (note 25), p. 18.

۳۷. اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری، ماده ۷۹.

۳۸. همان، ماده ۷۵ (۴) و (۵).

متأسفانه، اساسنامه برای همدستان یا کسانی که دستور صادر می‌کنند و ممکن است اشخاص حقوقی یا حتی دولتها باشند محکومیتی پیش‌بینی نمی‌کند. با این حال، پیش‌نویس اصلی امکان چنین مقرراتی را در نظر گرفته بود و برخی از دولتها، مانند اکثر سازمانهای غیردولتی، از آن حمایت می‌کردند.<sup>۳۹</sup> با وجود این، یک رأی دادگاه بین‌المللی کیفری برخوردار از اعتبار امر مختومه، دولتها را متعهد نموده و می‌تواند، هرگاه حقوق داخلی، آن را اجازه دهد، مبنای اقامه دعوا علیه اشخاص ثالث (بویژه در مقابل یک دادگاه مدنی) قرار گیرد.

بالاخره، بند ۶ ماده ۷۵ مقرر می‌دارد که غرامت دریافتی از دادگاه بین‌المللی کیفری نمی‌تواند به حقوقی که حقوق داخلی برای قربانی به رسمیت می‌شناسد، لطمه وارد آورد.

چگونگی پرداخت غرامت به قربانیان در آیین‌نامه دادرسی و ادله بیان شده است (بخش ۴). بر طبق ماده ۹۷، دادگاه بین‌المللی کیفری خودش زیان وارده به قربانیان را احتمالاً براساس یک گزارش کارشناسی و بعد از استماع طرفین دعوا ارزیابی خواهد کرد. اگر دادگاه در نظر دارد رأساً غرامتی را اعطا کند، پیشاپیش متهم و در صورت امکان قربانیان را مطلع خواهد کرد.<sup>۴۰</sup> به‌علاوه، دادگاه متعهد است که تبلیغات وسیعی را برای هر پرداخت غرامت، احتمالاً با همکاری دولتهای عضو انجام دهد، به این منظور که تعداد خیلی زیادی از قربانیان بتوانند تقاضای خود را مطرح کنند. اگر تعداد قربانیان خیلی زیاد باشد دادگاه ممکن است تشخیص دهد که یک پرداخت جمعی و گروهی غرامت مناسب‌تر است و تصمیم بگیرد که غرامتی که متهم محکوم به پرداخت آن شده به صندوقی که به نفع قربانیان نزد دادگاه بین‌المللی کیفری ایجاد شده است، پرداخت گردد. این صندوق، همچنین غرامتهایی را که موقتاً پرداخت آنها به‌صورت انفرادی به قربانیان امکان پذیر نیست، دریافت خواهد کرد.

### نمایندگی قربانیان و معاضدت حقوقی

اساسنامه رم تنها در چند مورد به‌طور خیلی غیرمستقیم به «نمایندگان قربانیان» اشاره نموده است، نمایندگانی که باید دادگاه را از نظرات قربانیان آگاه کنند یا در دادگاه حرفهای خود را بزنند. ماده ۹۰ آیین‌نامه دادرسی و ادله عنوان می‌کند که قربانیان می‌توانند آزادانه مشاور خود را انتخاب کنند به شرط اینکه این مشاور از شرایط لازم برخوردار باشد، مانند شرایطی که برای مشاورین متهمان لازم است.<sup>۴۱</sup> اگر تعداد قربانیان زیاد باشد، دادگاه می‌تواند از آنها بخواهد که

39. Voir Avocats sans frontières, Point de vue sur la Cour criminelle internationale. Rome, juillet 1998, p. 2.

۴۰. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۹۵.

۴۱. همان، ماده ۹۰ (۶) که به ماده ۲۲ (۱) ارجاع می‌دهد.

به صورت دسته جمعی و کیل بگیرند. این امر در وهله اول موضوع مذاکره بین رئیس دفتر دادگاه و مشاوران خواهد بود. در صورت عدم توافق، دادگاه می تواند از رئیس دفتر بخواهد که یک یا چند مشاور مشترک را تعیین کند. با وجود این، دادگاه و رئیس دفتر باید مراقب باشند که منافع خاص هر قربانی مورد توجه قرار گیرد (مثلاً منافع زنانی که قربانی جرایم جنسی قرار گرفته اند، اقتضا می کند که یک زن وکالت آنها را به عهده بگیرد)<sup>۴۲</sup> و همچنین مراقب باشند که از تعارض منافع اجتناب شود. در صورتی که یک فرد یا جمعی از قربانیان تهیدست و فقیر باشند، می توانند توسط رئیس دفتر دادگاه تقاضای غرامت مالی کنند.<sup>۴۳</sup>

در واقع، قواعد مربوط به نمایندگی و دفاع از قربانیان به طور گسترده از قواعدی الهام گرفته اند که برای دفاع از متهمان پیش بینی شده اند.

### حق شهود بر حمایت و احترام

#### حمایت از شهود به هنگام تحقیقات بین المللی

اگرچه به استثنای شیوه های دادرسی که به دنبال جنگ جهانی دوم به وجود آمدند، تعقیب جنایات جنگی در دادگاه های بین المللی پدیده تازه ای است، این امر دلالت بر این ندارد که جامعه بین المللی به امر تحقیق درباره موارد نقض فاحش حقوق بین الملل بشردوستانه توجه نکرده است. بدین ترتیب، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ یک سازوکار نظارت و کنترل، یعنی کمیسیون بین المللی تحقیق، تأسیس کرده است که با این حال، اساساً و در اکثر موارد بی تأثیر و بیهوده باقی مانده است.<sup>۴۴</sup> با وجود این، سازمان ملل متحد در چارچوب تحقیقات راجع به اجرای حقوق بشر، بیش از پیش در اوضاع و احوال جنگی تحقیقاتی را انجام داده است.<sup>۴۵</sup> بویژه کمیسیون حقوق بشر و از سال ۱۹۹۳، کمیسر عالی حقوق بشر در جریان مخاصمات مسلحانه متعدد تحقیقات میدانی توسط یک گزارشگر ویژه انجام داده اند.

سازمانهای بین المللی منطقه ای مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا یا سازمان وحدت آفریقا تحقیقات میدانی انجام می دهند و سازمانهای غیردولتی نظیر سازمان دیده بان حقوق بشر، فدراسیون بین المللی اتحادیه های حقوق بشر یا سازمان عفو بین الملل تلاش می کنند که گزارشات

۴۲. اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری، ماده ۶۸ (۱).

۴۳. آیین نامه دادرسی و ادله دادگاه بین المللی کیفری، ماده ۹۰ (۵).

44. L. Condorelli, « La commission internationale humanitaire d'établissement des faits: un outil obsolète ou un moyen utile de mise en oeuvre du droit international humanitaire ? », RICR, n° 842, juin 2001, p. 393.

۴۵. برای جزئیات بیشتر رک.

Sylvain Vité, « Les procédures internationales d'établissement des faits dans la mise en oeuvre du droit international humanitaire », Ed. Bruylant, Bruxelles, 1999.

براساس بررسی واقعیتها ارائه دهند. کمیسیون‌های تحقیقی که در نتیجه ابتکارات ملی تشکیل شده‌اند - مانند کمیسیون تحقیق تاریخی در گواتمالا\* - گاهی از حمایت و همکاری سازمان ملل متحد استفاده کرده‌اند. در مورد چنین تحقیقاتی، اعلامیه و بیانات شهود از اهمیت اساسی برخوردارند.

در تمام این سالها، شهود زیادی متحمل اقدامات تلافی‌جویانه‌ای شده‌اند و گاهی همکاری آنها با تحقیق‌کنندگان بین‌المللی به قیمت جان آنها تمام شده است. سازمانهای غیردولتی که اطلاعاتی به گروههای تحقیق داده‌اند تحت فشار قرار گرفته‌اند. بنابراین نمی‌توان مسئولیت خود تحقیق‌کنندگان را بیش از حد مورد تأکید قرار داد مبنی بر اینکه باید بیشترین احتیاط را نسبت به خطراتی که یک «شهادت» به دنبال دارد به عمل آورند، حتی اگر خود شاهد این خطرات را مطرح نکند. شخصی که مورد بازجویی قرار می‌گیرد باید بداند که اطلاعات او به چه چیزی کمک خواهد کرد. در واقع، بین اطلاعاتی که به صورت محرمانه داده می‌شود و اطلاعاتی که قابل انتشار است تفاوت زیادی وجود دارد. این موضوع به همان اندازه که در برابر دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق مطرح شده بود، هنگام تهیه آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری نیز مطرح شده است.

یک شهادت برای اینکه معتبر تلقی شود باید بدون اجبار باشد و نکته مهم دیگر اینکه یک شاهد علاوه بر این، بویژه اگر قبلاً حقوق اساسی او نقض شده باشد، به دنبال شهادت خود مجازات نشود. به هنگام یک تحقیق بین‌المللی، دولتی که در سرزمین آن تحقیق انجام می‌شود، از نظر تئوری موظف است که از شهود حمایت کند اما این قاعده، در عمل، معمولاً فریبنده از آب در می‌آید. تأسف بار اینکه در غالب موارد، این خود دولت است که تهدیدی علیه شاهد برای تحت فشار قرار دادن وی یا اتخاذ اقدامات مقابله به مثل محسوب می‌گردد.

در سال ۱۹۸۰، انجمن حقوق بین‌الملل پیش‌نویس مقرراتی را تهیه و در آن با نهایت ساده‌اندیشی پیش‌بینی کرده بود که یک نماینده دولت بتواند به هنگام استماع سخنان یک شاهد حضور داشته باشد، به شرط اینکه تضمین بدهد که دولت علیه وی مقابله به مثل نخواهد کرد.<sup>۴۶</sup> هم اکنون، اکثر تحقیق‌کنندگان بین‌المللی معتقدند که بهترین حمایت از شهود، سری بودن تحقیق و عدم افشای نام آنهاست. این امر همیشه ممکن نیست، بویژه هنگامی که رفتارهای غیرانسانی یا اعمال شکنجه در محیط‌های زندان از سوی قربانیانی که هنوز زندانی هستند افشا شود. بازدید منظم نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از محیط‌های زندان می‌تواند در برخی

\* . Commission de clarification historique au Guatemala.

46. Association de droit international, Minimal Rules of Procedure for international Human Rights Fact-Finding Missions, 59e Conférence, Belgrade, 1980.

موارد ضامن حفظ حقوق زندانیان باشد. در موارد استثنایی، آوازه و شهرت بین‌المللی قربانی یا شاهد یا توجهی که رسانه‌ها به عمل می‌آورند نوعی حمایت محسوب می‌گردد. استمرار حمایت از شهود ممکن است حتی موقعی که جنگ یا درگیری خاتمه یافته است ضروری به نظر برسد. چنانکه کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد که مأمور تحقیق در السالوادور در مورد جنایات ارتكابی به هنگام جنگ داخلی بود، تصمیم گرفت که محرمانه بودن منابع خود را حتی بعد از اینکه یک توافق‌نامه صلح منعقد شد، حفظ کند.<sup>۴۷</sup>

### حمایت از شهود به هنگام یک تحقیق بین‌المللی کیفری

از زمان تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، مسائل مربوط به حمایت از شهود تشدید شده است. در واقع، شهادت در دادگاه تنها آثار سیاسی یا روانی نداشته و می‌تواند نتایج شدیدی برای متهم به همراه داشته باشد.

شهود همیشه حقیقت را نمی‌گویند. آنها ممکن است از هر طرف فشارهایی را متحمل شوند، تحت تأثیر قرار گرفته یا از مقابله به مثل حتی نسبت به خانواده خود بترسند. آنها همچنین ممکن است اشتباه کنند. بنابراین طبیعی است که اقتضائات مربوط به کیفیت شهادت در چارچوب یک تحقیق قضایی، دقیق‌تر و سخت‌تر از اقتضائات یک تحقیق در مورد وقایعی باشد که حداکثر ممکن است قرینه‌ای علیه یک دولت باشد. اکثر قوانین داخلی تضمین‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند از قبیل ادای سوگند و مجازات‌های مربوط به سوگند دروغ، امکان طرف مدافع برای دسترسی به اطلاعات موجود در پرونده در جریان تحقیق یا حداقل قبل از جلسه استماع، بازجویی از شهود به هنگام استماع شهادت یا درخواست از دادگاه مبنی بر بازجویی از آنها. این ضمانت‌ها همچنین در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده‌اند.

با این همه، شهود نیز حقوقی دارند که ممکن است احتمالاً با حقوق متهمان در تعارض قرار گیرد به‌علاوه، اگر شهود قربانی باشند، آنها حق بر کرامت انسانی و حمایت از امنیت و زندگی خصوصی خود را داشته و نباید تحت فشار قرار گیرند. این حقوق به هنگام تحقیق و استماع قربانیان به‌عنوان شاهد باید رعایت گردند.

به هنگام تأسیس دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی شده بود که آیین‌نامه دادرسی باید «حمایت از قربانیان و شهود»<sup>۴۸</sup> را مد نظر داشته باشد و بدین ترتیب با آنها به‌عنوان

47. De la folie à l'espoir: une guerre de douze ans au Salvador, Rapport de la commission de vérité pour le Salvador, Doc. ONU S/25500.

48. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۲۰.



یک گروه واحد رفتار شود. ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که آیین‌نامه دادرسی باید حمایت از شهود و قربانیان را، در صورت اقتضا با حفظ هویت آنها، تضمین کند. این امر در آیین‌نامه دادرسی که توسط دادگاه فوق تهیه گردید، تدوین شده است.<sup>۴۹</sup> حتی قبل از آنکه موضوع احضار مطرح باشد، دادستان می‌تواند از دادگاه بخواهد که مطابق با ماده ۶۹ این آیین‌نامه، هویت برخی از شهود را فاش نکند. در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز مقررات مشابهی اعمال می‌شود.

به‌علاوه، آیین‌نامه دادرسی که توسط دو دادگاه مذکور تهیه شده است، تأسیس یک «بخش کمک به قربانیان و شهود» را در دفتر دادگاه پیش‌بینی نموده است.<sup>۵۰</sup> این بخش نظرات خود را در مورد اقداماتی که لازم است در جهت تضمین امنیت شهود انجام شود ارائه داده و به قربانیان و شهود، بویژه در مورد کسانی که قربانی جرایم خشونت‌آمیز و یا تجاوزات جنسی شده‌اند، کمک می‌کند و تصریح شده است که هنگام انتصاب پرسنل این بخش باید ضرورت استخدام و به کارگیری زنان برخوردار از تخصص لازم مورد توجه قرار گیرد.<sup>۵۱</sup> همچنین دادسرا به موضوع حمایت از شهود نه تنها با پیش‌بینی حمایت مادی، بلکه علاوه بر آن با پیش‌بینی همراهی یک پزشک و روان‌شناس، توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. با توجه به استماع همزمان شهود توسط طرفین و تألمات عمیقی که قربانیان نسل‌کشی، کشتار و تجاوزات دسته‌جمعی متحمل شده‌اند، این موضوع در آیین دادرسی از نوع کامن لا یک امر لوکس و زینتی به حساب نمی‌آید.

دادسرای دادگاههای بین‌المللی هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارد، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری، استقبال و از آنان حمایت کنند.<sup>۵۲</sup> این امر هنوز عملاً محقق نشده و در سالهای اول، حفظ اسرار بازجویی گاهی رضایت‌بخش نبوده است. بسیاری از شهود (بالقوه) دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به قتل رسیدند. علی‌رغم این، دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا حق ندارد تصمیم بگیرد که یک شهادت، محرمانه باقی بماند، تنها دادگاه می‌تواند با برخی اقدامات حمایتی موافقت کند. اگر دادستان تقاضای اتخاذ اقدام

۴۹. آیین‌نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۶۹.

۵۰. همان، ماده ۳۴.

۵۱. از ۶۰۰ شاهدهی که در فاصله سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ توسط دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا از آنها بازجویی به عمل آمد، ۱۱۳ مورد قربانی جرایم از نوع تجاوزات جنسی شده بودند.

TPIR, Rapport annuel, A/55/435/S/2000/927.

۵۲. بنابر اعلام سایت اینترنتی دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، برنامه اسکان مجدد بیش از بیست نفر شاهد، برخی در رواندا و برخی در جایی دیگر، قبلاً به مرحله اجرا در آمده است. همچنین رک.

- Thordis Ingadottir *et al.*, The international Criminal Court - The Victims and Witnesses Unit, A discussion paper, P.I.C.T., mars 2000, p. 25 et suiv.

حمایتی نکرده باشد، باید تمام پرونده را در یک مدت معقول و قبل از استماع شهود به اطلاع طرف مدافع برساند. در پرونده باگازورا (Bagasora)، شعبه دو دادگاه آروشا (Arusha) دستور داد اطلاعاتی که شهود در جریان تحقیق ارائه کرده‌اند، طی دو هفته توسط دادستان ارسال گردد.<sup>۵۳</sup>

اساسنامه رم نیز با پذیرش تجربه دو دادگاه اختصاصی، یک سری مقرراتی را در بر دارد که هدف از آنها حمایت از منافع شهود هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله دادرسی است. این اساسنامه تأسیس یک بخش دائمی برای کمک به قربانیان و شهود را پیش‌بینی می‌کند که باید از یک سو نظرات مشورتی ارائه دهد و از سوی دیگر کمک و مساعدت مؤثری بویژه در زمینه درمان آثار جرم بنماید.<sup>۵۴</sup> آیین‌نامه دادرسی و ادله این وظیفه و مأموریت را تصریح کرده و پیش‌بینی نموده است که این بخش باید، در صورت نیاز، در ارائه خدمات خاص خود بین مساعدت به شهود علیه متهم و شهود به نفع متهم تفاوت قائل شود.

حق بر حمایت، صرفاً به شهود و قربانیانی که به دادگاه احضار می‌شوند اختصاص ندارد، بلکه شامل اشخاص دیگری (مثل اعضای خانواده) می‌شود که به سبب این احضار به دادگاه، ممکن است خطری متوجه آنها گردد. همچنین پیش‌بینی شده است که به‌منظور حفظ منافع قربانیان، بویژه کودکان یا قربانیان جرایم جنسی، استماع شهود می‌تواند در پشت درهای بسته انجام شود و اینکه می‌توان از طریق ویدیوی مداربسته یا روشهای دیگر از شهود بازجویی نمود.<sup>۵۵</sup> هرگاه امنیت یک شاهد یا خانواده‌اش در معرض تهدید باشد، دادستان می‌تواند برخی دلایل را جمع‌آوری کرده و تنها خلاصه‌ای از آنها را ارسال نماید. هویت برخی از شهود ممکن است از پرونده حذف شود. با وجود این، چنین اقداماتی باید با حقوق متهم بر یک دادرسی عادلانه مطابقت داشته باشد.

تأکید می‌کنیم که شهود همچنین می‌توانند شخصاً تقاضای حمایت، از جمله تقاضای عدم افشای نام، نمایند. براساس آیین‌نامه دیوان، آیین دادرسی خاصی پیش‌بینی شده است که در آن شاهد می‌تواند حضور داشته و در صورت مقتضی از طریق یک مشاور، نمایندگی شود. به هنگام یک چنین رسیدگی، حضور خود شاهد ممکن است به‌صورت گمنام انجام شود.<sup>۵۶</sup>

53. TPIR, décision du 27 novembre 1997, ICTR-96-7-T.

۵۴. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۴۳ (۶).

۵۵. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، مواد ۶۷ و ۶۸.

۵۶. همان، مواد ۸۷ و ۸۸.

## حمایت از شهود در جریان دادرسی

ادای شهادت در دادگاه برای قربانی جرایم شدید کار بی‌زحمتی نیست. در سالهای اخیر متوجه این واقعیت شده‌ایم که استماع شهادت، بویژه هنگامی که جرم از نوع تجاوزات جنسی بوده و قربانی مستقیماً با متجاوز خود روبرو می‌شود، می‌تواند عوارض روانی به دنبال داشته باشد. در دادرسی‌های مربوط به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، بسیاری از شهود، قربانی شکنجه، رفتارهای غیرانسانی یا تجاوز بوده‌اند و این چیزی است که وضعیت مشابهی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل اساسنامه هر دو دادگاه اختصاصی صریحاً پیش‌بینی کرده است که دادگاه می‌تواند به‌صورت غیرعلنی در پشت درهای بسته تشکیل جلسه دهد.<sup>۵۷</sup> ماده ۷۵ آیین‌نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که دادگاه می‌تواند به‌منظور حمایت از قربانیان و شهود، اقداماتی را در زمان اجرای شهادت با توسل به وسایل مناسب، بویژه با تجویز استفاده از یک تلویزیون مدار بسته یک‌طرفه، اتخاذ نماید.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری این تجربه را اقتباس کرده است. آیین‌نامه دادرسی و ادله، یک سری مقرراتی را دربردارد که باید از تعادل روانی و زندگی خصوصی شهودی که قربانی تجاوزات جنسی شده‌اند حمایت کند، لذا برای اینکه شهادت آنها معتبر تلقی شود نیازی به یک بازجویی رودررو نیست.

در صورت تهدید یا وجود شرایط تهدیدآمیز، رضایت قربانی قابل ترتیب اثر نیست و از سکوت یا عدم مقاومت قربانی، رضایت وی نتیجه گرفته نمی‌شود. نمی‌توان از رفتار جنسی قربانی، قبل یا بعد از وقایع، به درستکاری، شرافتمندی یا تمایل جنسی وی پی‌برد. به‌علاوه، بررسی و اثبات چنین وقایعی مجاز نیست.<sup>۵۸</sup> قطعاً وجود چنین مقرراتی بر شیوه بازجویی از شهود این‌گونه جرایم تأثیر خواهد گذاشت. بالاخره اینکه قربانیان، بویژه قربانیان تجاوزات جنسی، ممکن است نه تنها پشت درهای بسته بدون اینکه به سالن استماع شهادت فراخوانده شوند و به‌وسیله ویدیوی مدار بسته، بلکه همچنین در حضور یک شخص مورد اعتماد (روان‌شناس، عضوی از خانواده و...) مورد بازجویی قرار گیرند.<sup>۵۹</sup>

## تناقض موجود در استماع شاهد گمنام

برخی از شهود، بویژه آنهایی که از شهادت دادن خود پشیمان شده‌اند، می‌توانند همکاری با دادگاه را به اخذ حمایت و حفظ «گمنامی» خود مشروط کنند. با وجود این، یک شهادت بی‌نام

۵۷. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ماده ۲۲.

۵۸. همان، مواد ۷۰ و ۷۱.

۵۹. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۸۸.

محدودیت مهمی بر حق دفاع به شمار می‌رود.

در جریان رسیدگی در دادگاههای کیفری، دو حقوق اصلی با هم در تعارض هستند. از یک سو، قربانیان و شهود حقی مبنی بر احترام و حمایت دارند و از سوی دیگر، متهم حقی بر دادرسی عادلانه، و این چیزی است که مستلزم آگاهی از کل پرونده و بازجویی از شهود علیه متهم یا حکم به بازجویی از آنها می‌باشد. در رأی کوستوسکی (*Kostovski*)<sup>60</sup>، دادگاه اروپایی حقوق بشر یک رفتار انتقادی نسبت به استماع شهود بی‌نام به‌عنوان دلیل در پیش‌گرفت، بدون اینکه شهادت آنها را به‌طور مطلق رد کند. در واقع، این دادگاه از خود پرسید که آیا این‌گونه نقض حقوق متهم می‌تواند از طریق عناصر دعوا توجیه شود؟ دادگاه مذکور، در رویه بعدی خود، بویژه در پرونده دورسون (*Doorson*)<sup>61</sup>، با بیان شرایطی که در آن یک شهادت بی‌نام استثنائاً قابل قبول است و همچنین شرایط و ضمانت‌های دادرسی که باید پیش‌بینی شوند، رویه قضایی خود را روشن‌تر بیان نمود. با این وجود، این بحث همچنان ادامه دارد.

به‌علاوه، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا در پرونده‌های مربوط به حقوق عام و پرونده‌های مربوط به جنایات جنگی، باید ضرورتاً قواعد یکسانی را اعمال کرد؟ از یک سو، دادگاه‌های بین‌المللی بایستی الگو ارائه کنند، از سوی دیگر، اگر به‌طور کلی ایجاد تعادل منافع میان طرفین در پرتو حقوق بشر ضروری است، به طریق اولی در یک وضعیت استثنایی که دادگاه‌های بین‌المللی با آن مواجه شده‌اند، این امر ضرورت دارد. این دادگاهها پلیس در اختیار ندارند و بنابراین برای حمایت از شهود خود، بویژه هنگامی که موضوع سازماندهی یک برنامه حمایت مؤثر (تعبیر هویت، اقامتگاه جدید و...) مطرح است، به همکاری دولتها که گاهی خود طرف مخاصمه هستند - نیازمندند. برخلاف آنچه که بعد از جنگ جهانی دوم رخ داد، در حالی که کشمکش همچنان ادامه داشت (مورد بوسنی) یا برقراری ثبات در وضعیت بحرانی دور از دسترس بود (مورد کوزوو)، دادرسی‌ها جریان داشتند و این امر مسلماً خطرات اقدامات تلافی‌جویانه را بعد از یک شهادت افزایش می‌داد.

از زمان رسیدگی به اولین پرونده‌ها، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق با در خواست دادستان مبنی بر عدم افشای نام برخی از شهود مواجه شده است.<sup>62</sup> از آنجا که آیین‌نامه دادرسی در این زمینه مبهم بود، این دادگاه در پرونده تاجیک (*Tadic*) در پاسخ به تقاضای

60. CEDH, 20 novembre 1989, Série A, vol. 166.

61. CEDH, 26 mars 1996, Recueil 1996-II.

62. Voir J. de Hemptinne, « La déposition de témoins sous anonymat devant le Tribunal pénal international pour l'ex-Yougoslavie », Journal des Tribunaux, 24 janvier 1998, p. 65 ; A. Klip, « Witnesses before the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia », International Review of Penal Law, 1996, p. 267.

دادستان مبنی بر اینکه دادگاه اجازه دهد تا سه نفر به صورت بی‌نام شهادت دهند، شرایطی را مشخص کرد که در آن باید حمایت ویژه‌ای از شاهد به عمل آید.<sup>۶۳</sup> چنین شهادتی مستلزم این است که هر نوع اشاره‌ای به هویت از پرونده محو گردد و عامه مردم همانند خبرگزاریها و مطبوعات، همچنین متهم و مدافعانش، هیچ تماس و دیداری با شاهد نداشته باشند. در عمل، از یک ویدیوی مداربسته استفاده می‌شود که صدا و تصویر شاهد را که در جایی دیگر غیر از جایی که متهم حضور دارد، قرار گرفته و حتی متهم او را نمی‌بیند، تغییر می‌دهد.

تعیین شرایطی که در آن یک شهادت بی‌نام قابل قبول است، کار آسانی نیست. این امر بویژه از این واقعیت ناشی می‌شود که در پرونده یاد شده، یکی از قضات (کی استیفان - *Kay Stephen*) «نظر مخالفی» را ابراز نموده است که شدیداً بر خلاف تصمیم همکاران وی می‌باشد، تصمیمی که به نظر او حقوق متهم را نقض می‌کند. بنابراین دادگاه شرایط زیر را جهت قبول شهادت بی‌نام در نظر گرفته است:

- بی‌می‌ج‌دی در مورد امنیت شاهد یا خانواده‌اش وجود داشته باشد؛
- شهادت باید برای اثبات اتهام، مهم باشد؛
- هیچ عاملی اعتبار شاهد را زیر سؤال نبرد. این امر، شهادت بی‌نام شخصی را که دارای سابقه کیفری یا معاونت در جرم است (اعم از اینکه پشیمان شده باشد یا خیر) بی‌اثر می‌کند. اطلاعات راجع به شخصیت قربانی باید حتی‌الامکان برای متهم ارسال و ابلاغ گردد؛
- دادگاه این واقعیت را در نظر بگیرد که هیچ‌گونه برنامه مؤثری برای حمایت از شهود وجود ندارد؛
- اقدامات باید به آنچه که کاملاً ضروری است محدود شود.

این شرایط در رویه قضایی بعدی، بویژه در پرونده بلاسکیچ (*Blaskic*) تقویت شده‌اند:<sup>۶۴</sup> دادستان نمی‌تواند به صرف ترس از اقدامات تلافی‌جویانه، اهمیت شهادت و اعتبار شاهد را نادیده بگیرد، همچنین باید دلایل و عناصر عینی که دیدگاه او را تقویت می‌کنند ارائه نماید. در این رأی، دادگاه، گمنامی شاهد را در مقابل مردم و مطبوعات قبول کرد، اما آن را نسبت به متهم نپذیرفت. بنابراین دادستان مجبور شد هویت شهودی را که هنگام تحقیقات و حتی در طول مدت زمانی قبل از جلسه دادگاه، گمنام مانده بودند، در جلسه دادگاه افشا کند تا متهم بتواند دفاعیات خود را آماده کند.

63. TPIY, Décision du 10 août 1995, ICTY-94-1-PT.

64. TPIY, Décision du 10 juillet 1997, ICTY-95-14-PT.

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا رویه قضایی مشابهی ایجاد کرده است.<sup>۶۵</sup> حمایت از شهود تنها در جهت منافع قربانیان صورت نمی‌گیرد. در واقع، شهودی که به درخواست و به نفع متهم شهادت می‌دهند هم ممکن است متحمل فشارهایی گردند یا علیه آنها اقداماتی تلافی‌جویانه صورت گیرد. در پرونده روگیو (Ruggiu)،<sup>۶۶</sup> دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا به درخواست دفاع، اقداماتی را به منظور حمایت از شهودی که به نفع متهم شهادت می‌دادند، اتخاذ نمود. از شهودی که به نفع دفاع شهادت می‌داد، امکان فیلم یا عکس گرفتن وجود نداشت. هویت او بجز در دادگاه و نزد دادستان نباید فاش و اعلام می‌شد. در اسناد و مدارک دادرسی از یک اسم مستعار استفاده شد و پرونده از هر نوع عنصری که بتواند اطلاعاتی راجع به هویت او ارائه دهد، پاک گردید.

اساسنامه رم امکانات گسترده‌ای را برای حفظ جنبه محرمانه برخی از اطلاعات به هنگام تحقیقات پیش‌بینی کرده است. اما موضوع شهادت دادن بی‌نام مسکوت مانده است. سمینار پاریس<sup>۶۷</sup> پیشنهادی را تصویب کرده بود که البته خالی از بحث و جدل‌های گاه خشونت‌آمیز نبود.<sup>۶۸</sup> آیین‌نامه دادرسی و ادله با پیش‌بینی صریح این موضوع که شعبات می‌توانند در مورد استماع شهود از فاصله دور و از طریق یک وسیله الکترونیکی مداربسته که صدا و تصویر را عوض می‌کند، تصمیم بگیرند، مسئله را فیصله داد. شاهد یا حتی قربانی که می‌خواهد شخصاً در دعوا وارد شود، می‌تواند این اجازه را داشته باشد که دفاع فقط با یک اسم مستعار او را بشناسد و به‌صورت گمنام مورد بازجویی قرار گیرد. شرایط و شیوه‌های عملی چنین اقداماتی به ارزیابی دادگاه واگذار شده است.

### حفظ اسرار شغلی شهود و اطلاعاتی که توسط همکاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دست می‌آید

آیین‌نامه دادرسی دادگاه‌های اختصاصی پیشاپیش شامل یک سری مقرراتی است که به دادستان این اختیار را می‌دهد که محرمانه بودن اطلاعاتی را که توسط اشخاص ثالث تهیه و به اداره او ارسال گردیده است و همچنین شهادت افرادی را که دادگاه نمی‌تواند آنها را مجبور کند اسرار شغلی خود را فاش کنند، حفظ نماید.<sup>۶۹</sup> آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری در

65. TPIR, Décision du 27 septembre 1996, ICTR-96-4-T (Akayesu).

66. TPIR, décision du 9 mai 1997, ICTR-97-32-I.

67. *Supra*, note 16.

68. Fédération Internationale des ligues des droits de l'homme, Cour pénale internationale : les nouveaux défis, Rapport de position, 1999, p. 16.

69. آیین‌نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و برای رواندا، ماده ۷۰، (ب و د).

این مورد خیلی صریح بوده و ویژگی محرمانه بودن ارتباط بین یک شخص و روان‌پزشک، روان‌شناس و مشاورش یا کسی که نزد او به اعمال و رفتار خود اقرار نموده است را به رسمیت می‌شناسد.

اعلامیه سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ تصریح می‌کرد، اشخاصی که به قربانیان کمک می‌کنند ممکن است خودشان صدمه‌ای دیده و در نتیجه شبیه قربانیان گردند. مشکل ویژه‌ای در مورد نمایندگان سازمانهای بشردوستانه مطرح می‌شود. در نظر گرفتن این نکته که همکاران این سازمانها خودشان در جایگاه قربانی قرار دارند متأسفانه یک فرض کاملاً تئوری و ذهنی نیست. پزشکان و دیگر عوامل سازمانهای بشردوستانه باید بتوانند در یک محیط محرمانه و مطمئن فعالیت کنند. عدم رعایت و نقض این جنبه محرمانه، ممکن است نه فقط این اشخاص، بلکه دیگر عوامل سازمان یا افراد عادی را که چنین اطلاعاتی برای آنها ارسال کرده‌اند، در معرض خطر قرار دهد.

در مورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ضرورت حفظ محرمانه‌بودن برخی اطلاعات دقیقاً با بیم عدم دسترسی به قربانیان (محیطهای زندان و غیره) مرتبط است، اگر شهادت‌دهنده از یک شهادت علیه خودش بیمناک باشد. در یک رای، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق این حق را برای نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به رسمیت شناخت که اطلاعات مربوط به فعالیتهای خود را ارائه نکنند.<sup>۷۰</sup> آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری همچنین شامل مقررات روشنی در مورد حمایت از اسرار شغلی همکاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌باشد، هر نوع اطلاعاتی که همکاران کمیته در چارچوب فعالیتهای خود به دست آورده‌اند محرمانه است.<sup>۷۱</sup> لازمه این امر آن است که دادستان و دادگاه نتوانند به هنگام ادای شهادت، افشای چنین اطلاعاتی را درخواست نمایند. با وجود این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خود می‌تواند از تعهد محرمانه بودن چشم‌پوشی کند و این امری است که می‌تواند موضوع یک توافق بین دادگاه و مؤسسه واقع شود.

قاعده مربوط به محرمانه‌بودن در مورد دیگر سازمانهای بشردوستانه پیش‌بینی نشده است. تنها کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از این حمایت برخوردار است و عوامل جمعیت‌های ملی صلیب سرخ یا هلال احمر از آن بی‌بهره‌اند.

70. TPIY, Décision du 27 juillet 1999 de la Chambre III. Voir Stéphane Jeannot, « Recognition of the ICRC's long-standing rule of confidentiality - An important decision by the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia », RICR, n° 838, juin 2000, p. 403.

۷۱. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، ماده ۷۴ (۴) تا (۶).

Voir Stéphane Jeannot, « Testimony of the ICRC delegates before the International Criminal Court », RICR, n° 840, décembre 2000, p. 993.

## حقوق تهدید شده دفاع

برخی از حقوق و تضمین‌هایی که برای قربانیان و شهود در نظر گرفته شده ممکن است نگران‌کننده به نظر برسد، زیرا به حق دفاع متهمان خدشه وارد می‌کند. از این قبیل است مواردی مثل شهادت بی‌نام علاوه بر بازجویی از راه دور یا محدودیتهای وارده بر بازجویی از قربانیان جرایم جنسی. ماهیت جنایاتی که در دادگاههای بین‌المللی رسیدگی می‌شوند نمی‌تواند کاهش بیش از اندازه حقوق متهم را توجیه کند. برعکس، دادگاههای بین‌المللی بایستی در هر آنچه به حق دفاع متهم مربوط می‌شود نیز الگو باشند.

با این همه، جا دارد این واقعیت مورد توجه قرار گیرد که دادرسی در دادگاه بین‌المللی کیفری صرفاً اتهامی نیست و علاوه بر آن دادستان وظیفه دارد در جهت منافع متهم تحقیق کند و این امر برخی از اقداماتی را که می‌توانند محدود کننده حقوق متهم به نظر آیند، تا اندازه‌ای جبران می‌کند. سرانجام، این دادگاه است که همیشه باید بین منافع اصحاب دعوا (متهمین، قربانیان و شهود) و منافع خود عدالت، تعادل و توازن برقرار نماید.

## نتیجه‌گیری

اندیشه و تفکر راجع به حقوق قربانیان و شهود در طول دهه اخیر به‌طور اساسی تغییر کرده است. دادگاههای اختصاصی، ساز و کارهایی را برای حمایت از شهود به‌وجود آورده‌اند که در اکثر نظامهای داخلی وجود نداشت. در حالی که وضعیت حقوقی قربانیان با نبود یک چنین وضعیتی در این دادگاهها رضایت بخش نیست، سازش قابل قبولی بین حقوق قربانیان و حقوق متهمان در دادگاه بین‌المللی کیفری به‌وجود آمده است. همان طور که برخی از قضات دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا اظهار داشته‌اند، شاید مطلوب آن باشد که اساسنامه این دو دادگاه در آینده به هم نزدیک شوند و قربانیان یوگسلاویایی یا رواندایی همان حقوقی را به‌دست آورند که قربانیان در دادگاه بین‌المللی کیفری از آن بهره‌مند خواهند بود. این امر زمانی ضرورت بیشتری خواهد یافت که بقیه پرونده‌های در حال رسیدگی در دادگاههای اختصاصی، احتمالاً بتوانند به شعبات تخصصی این دادگاه احاله شوند.

حمایت از شهود یکی از دشوارترین مسائل حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بویژه در چارچوب دادرسی‌های علیه مرتکبین، نقض شدید و فاحش این حقوق است. نه حمایت از شهود و نه حق دفاع نمی‌توانند به‌عنوان یک اصل مطلق مورد توجه قرار گیرند. در هر وضعیتی جا دارد منافع متقابل در حالت موازنه قرار بگیرد و در صورت تردید، این توازن باید به نفع متهم از بین برود، علی‌رغم شدت جرایمی که به او نسبت داده شده است. در هر حال، می‌توان اظهار داشت که دو دادگاه اختصاصی با این مسائل سرسری برخورد نمی‌کنند و بخوبی بر تمرین سخت ایجاد توازن فائق می‌آیند.